

شهرهای خلاق کانادا^۱



✦ نوشته: نانسی داکسیری^۲
✦ ترجمه و تلخیص: شهرزاد فرزین پاک

مقدمه

از رقابت اقتصادی یا نگرانی‌ها برای باززنده‌سازی است، چشم‌انداز زود هنگام ونکوور و تورنتو، موضوع هنر و ابعاد فرهنگی را در این مقوله برجسته کرده است. در گزارش "به سوی شهر خلاق"^۳ ونکوور که در سال ۱۹۹۳ تهیه شده است، چشم‌انداز زیر مطرح است:

شهر خلاق جایی است که احترام هنر، به دلیل اهمیت زیبایی‌شناختی آن و توانایش برای پرورش قوه ادراک و ارتباطات است؛ جایی که تنوع فرهنگی غنیمت شمرده شده و بیان خلاقیت به هر شکلی مورد تشویق قرار می‌گیرد، افراد می‌توانند در زندگی روزمره خود از فعالیت‌های خلاق بهره‌برند، هنرها به عنوان یکی از ضرورت‌های آموزشی مطرح هستند و خلاقیت به عنوان مهارتی قیمتی در عصر اطلاعات شناخته می‌شود و هنرها نه تنها به دلیل نقش مهمشان در اقتصاد بلکه به دلیل منافع روحی، عقلانی و اجتماعی خود با ارزش محسوب می‌شوند.

در این مقاله برای دستیابی به شهری خلاق، ضمن معرفی شرایطی که خلاقیت را پرورش می‌دهند، از دیدگاه برنامه‌ریزی برای فرهنگ شهری به برخی سازوکارها، فرایندها و منابعی پرداخته می‌شود که ایده را به نوآوری مبدل می‌سازد. این فرایندها در شهرها و جوامع محلی در سراسر کانادا به کار گرفته شده‌اند. هدف، بررسی عملکردهای توسعه فرهنگی و پیشنهاد چشم‌اندازی است که در آن هنرمندان و سازمان‌های فرهنگی برای ساخت شهرهای خلاق در مرکز قرار می‌گیرند.

در بحث محوریت توسعه فرهنگی در ساخت شهر خلاق، این مقاله از فرایندهای برنامه‌ریزی فرهنگی الهام می‌گیرد که در اوایل و اواسط دهه ۱۹۹۰ در شهرهای ونکوور و تورنتو کانادا آغاز شده‌اند. در حالی که توجه به خلاقیت و ابتکار به ویژه در ایالات متحده آمریکا و انگلستان ناشی

این نگرش به شهر خلاق در ونکوور، به عامل تسریع کننده بروز ابتکارهای هنری در این شهر در اوایل دهه نود و طینی در فرایندهای برنامه‌ریزی شهری در ونکوور مبدل شد. به طور مشابه شورای کلانشهر تورنتو نیز در اواسط دهه ۱۹۹۰ سندی منتشر ساخت که دیدگاهی کلی نگر به شهر خلاق داشت. اسناد مهم فرهنگی امروز این دو شهر در خصوص شهر خلاق، برگرفته از این پیشینه است. بسیاری شهرهای دیگر از جمله اوتاوا و هالیفاکس نیز در حال کار روی این موضوع هستند.

کنش‌ابتکاری در شهرها و جوامع محلی: اصول و عملکردها

کنش‌ابتکاری در یک جامعه چیست؟ نوآوری در زمینه‌ای که در آن رخ می‌دهد نسبی است؛ آنچه در یک جامعه عملکردی عادی محسوب می‌شود، ممکن است در مکانی دیگر ایده‌ای کاملاً جدید باشد. بنابراین نوآوری عبارتست از انجام کاری خارج از شرایط عادی - چیزی که در آن شرایط یا زمینه جدید باشد.

عواملی که در یک شهر یا جامعه انگیزه‌ای برای ابتکار ایجاد می‌کنند، پیچیده هستند. روشن‌تر از هر چیز، در محیط جهانی امروز، فشار بر روی نوسازی اقتصادی منجر به نوآوری می‌شود. چنین نوسازی دربردارنده تعریف "نیچه" در اقتصاد جهانی جدید، بر مبنای دارایی‌های محلی متمایز نظیر محل، جغرافیا، فرهنگ، مهارت‌ها و دانش است. ایجاد الگوی نیچه به طور معمول نیازمند رویکردی چندوجهی است: حفظ و جذب شهروندان، سرمایه‌ها و مشاغل سیال، بهبود "کیفیت مکان" از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و تسهیلات (اغلب با تمرکز در برخی محلات یا نواحی فرسوده) و ساخت هویت و غرور محلی از طریق "مارک‌زدن" یا بازاریابی مکان.

ضمن آنکه چنین عواملی نیازمند کنش‌های ابتکاری از سوی جامعه هستند، پاسخ‌ها در هر مکان خاص، به شدت به نوآوری و چشم‌انداز اشخاص و سازمان‌ها بستگی دارند. ائتلافات هدایت‌کنندگانی که فرصت‌های ساخت تفاوت‌های ماندگار برای جوامع محلی خود را دارند،

از "اصول عملکردی" مشخصی پیروی می‌کنند. برای خلاقیت و نوآوری لازم است فرایندهای برنامه‌ریزی محلی از اصول زیر پیروی کنند:

- هر شهر و جامعه محلی، از لحاظ تاریخ، توسعه، بشر و دیگر دارایی‌ها، چالش‌ها، الهام‌ها و فرصت‌ها، منحصر به فرد است.
- تحقق ایده‌ها و راهبردها در یک جامعه محلی، هنری است که بر پایه دانش، حساسیت، پیچیدگی اکوسیستم فرهنگی جامعه و زمینه‌های وسیع‌تری که در آن عملکرد دارد، استوار است.
- توسعه شهری که با نیروهای قوی تولیدات و پیشنهادها همگن روبرو است، بایستی ریشه در اصالت داشته باشد. تعادل، یک عامل کلیدی است؛ برای هر استانداردسازی و معرفی بازار انبوه به جامعه، بایستی کاری انجام شود که بر منحصر به فرد بودن جامعه (برای مثال از طریق هنر عمومی) تأکید شود.
- نوآوری ماندگار به مداخله پرمایه اجتماع محلی و مالکیت اشتراکی فرایندها و نتایج وابسته است. شبکه‌های افقی بایستی پرورش داده شده و با فرایند پیش‌رونده‌ای در جامعه، مورد حمایت قرار گیرند. چنین شبکه‌هایی (حتی در بخش فرهنگی) اغلب وجود ندارند یا بسیار شکننده هستند.
- پروژه‌های کوچکی که در طول زمان مستمر مانده‌اند،



می‌توانند تفاوت ایجاد کنند. تغییر فزاینده‌ای که هوشیارانه به کار گرفته شده، می‌تواند به نوآوری قابل توجهی منجر شود.

البته وجود انگیزه‌هایی برای کنش، ایده‌های جدید درباره تغییر و عمل کردن به اصول منطقی، برای موفقیت نوآوری کافی نیست. هنوز اراده و ظرفیت برای کنش، به شیوه‌های جدید و متعارف نیاز دارد. لازم است رهبران جامعه محلی منابعی در دسترس داشته باشند که منطبق با زمینه محلی خاص آنهاست تا بتوانند با چالش‌های پیش‌روی خلاقیت و اعتماد روبرو شوند. در میان شرایط و منابع قانونی، موارد زیر در زمره مهم‌ترین‌ها قرار می‌گیرند:

- اراده جمعی - اراده سیاستمداران و عموم مردم برای به حرکت درآوردن منابع، پذیرش ریسک و باقی ماندن در این روند.
- چشم‌انداز مناسب - چشم‌انداز جامعه بایستی با پیامدها و امکاناتی نظیر دارایی‌ها و محدودیت‌های محلی همسوی باشد.
- شبکه‌های اجتماعی قوی - وجود ارتباطات قوی در میان اشخاص مناسب و سازمان‌ها برای به فعل درآوردن ایده‌ها لازم است.
- منابع راهبردی - منابع لازم برای نوآوری چندوجهی هستند. این موارد شامل: پول، افرادی دارای وقت، تخصص، مهارت‌ها، دانش / اطلاعات و ارتباطات و فضاهای اجتماعی برای برقراری شبکه‌ها می‌باشند.
- زمان - این موضوع شامل زمان لازم برای ایجاد تغییر با دانش بر زمان مورد نیاز برای اجرای طرح‌ها و نیز شامل عنصر زمان‌بندی مناسب می‌باشد؛ که ممکن است به معنی سرعت‌بخشی به فعالیت‌ها به دلیل برخاستن فرصت‌ها یا به تعویق انداختن فعالیت برای زمانی مساعد باشد.
- انعطاف‌پذیری - تحقق ایده‌های مبتکرانه که ذاتاً تجربی و نیازمند رویکردهای انعطاف‌پذیر هستند؛ در شرایطی که اجتماع پویاست، چالش‌ها و فرصت‌ها شکل می‌گیرند. به این ترتیب چشم‌اندازها، طرح‌ها

و قوانین بایستی به تریبی قابل انطباق باشند که پروژه‌های نوآورانه محقق شده یا مورد آزمون قرار گیرند.

حرکت به سوی شهر خلاق: چارچوب‌های مختلف

بسیاری از شهرداری‌ها در حال برنامه‌ریزی و یا اقدام برای اصلاح دیدگاه و تغییر جایگاه جامعه خود در زمینه روندهای اقتصادی و اجتماعی هستند. به طور کلی به نظر می‌رسد چهار سناریو یا رویکرد نوآورانه به این موضوع وجود دارد؛ این رویکردها عبارتند از: (۱) شهر نوآوری دانش، (۲) توسعه اقتصادی نیچه، (۳) توسعه جامعه محلی / اقتصاد با یک مولفه فرهنگی و (۴) شهر خلاق.

در واقع می‌توان گفت، تنها زیر مجموعه‌ای از شهرداری‌های کانادا به طور مشخص "رویکرد شهر خلاق" را برای هر چه درخشان‌تر و خاص‌تر کردن جامعه محلی خود و پشتیبانی هر چه بیشتر جامعه از فعالان فرهنگی و ایده‌های نو، به کار گرفته‌اند. با این حال دیگر رویکردها نیز متفک از عناصر شهر خلاق نیستند و درس‌ها و نکته‌هایی نیز در این اشتراک به نمایش می‌گذارند.

شهر نوآوری دانش

موتیرال مثال بارز این رویکرد در زمان حاضر است. این شهر به توسعه مراکز تحقیق و آموزش شناخته شده در سطح بین‌المللی می‌پردازد که مولد ایده‌ها و دانش جدید بوده و صنایع جدیدی برای آینده ایجاد می‌کند. اما همان‌طور که در آخرین همایش فدراسیون شهرداری‌های کانادا مطرح شد، این شهر از کمبود آزردهنده فرهنگ در آخرین چشم‌انداز منتشر شده برای آن، با عنوان "شهر ابتکار" یا "شهر دانش" رنج می‌برد. فعالیت‌های فرهنگی و بستر اثری نوآورانه‌ای که این فعالیت‌ها ایجاد می‌کنند، در این چشم‌اندازها و طرح‌ها نقشی ندارند. به نظر می‌رسد فعالیت‌ها و منابع فرهنگی، میراثی شناخته شده‌اند که برای جذب دانشمندان و سایر کارکنان در حیطه دانش که به شهر آمده‌اند، مورد استفاده قرار می‌گیرند. با این حال

فعالیت‌های فرهنگی به خودی خود به عنوان بخشی از محیط اجتماعی دانش و ابتکار مطرح نیستند.

توسعه اقتصادی نیچه

از مثال‌هایی که با توجه به این رویکرد شکل گرفته‌اند، می‌توان به شهر سنت جان^۴ اشاره کرد که به شکل فعال در حال توسعه اقتصادی و توسعه نقاط قوت تحقیقی خود در زمینه تحقیقات مرتبط با اقیانوس و مباحث مربوط به یخ و نیز آزمایش کشتی‌هاست. همه این موارد برپایه نقاط قوت سنتی و موقعیت جغرافیایی این شهر بنا شده‌اند. این رویکرد شبیه به رویکرد شهر نوآوری دانش است اما تأکید آن بر ایجاد اعتباری بین‌المللی برای تحقیقات پیشرو و به دلیل وجود برخی صنایع اصلی است. جدایی‌های جامعه محلی نظیر فعالیت‌های فرهنگی، محیط طبیعی، زمان کوتاه مورد نیاز برای تردد و مواردی از این دست، بخشی از "بسته زمینه‌ای" مورد استفاده برای به کارگیری اشخاص پیشرو برای این صنایع هستند، اما لزوماً به عنوان مولفه اصلی برای توسعه اقتصادی شهر تلقی نمی‌شوند. با این حال در مورد سنت جان، شرایط متفاوت است و این شهر به شکلی آگاهانه و با دقت در زمینه پرورش منابع فرهنگی متمایز خود، در حال توسعه و بهبود نقاط قوت، به عنوان مقصدی فرهنگی و میراثی برای گردشگران است. نتیجه، نیچه دیگری برای این شهر است.

برنامه‌ریزی، اولویت با ایجاد شناخت در خصوص هنرها، فرهنگ و میراث برای تصمیم‌سازی و فرایندهای برنامه‌ریزی شهری است. این بدان معناست که آنها با چشم‌انداز جامعه محلی و دیدگاه‌های مسئولان هماهنگ بوده و بازتاب‌دهنده ساختارهای حمایتی موثری برای نوآوری و ایجاد هیجان و توان در بخش هنر و فرهنگ می‌باشند. بر این مبنا این بخش خواهد توانست به توسعه کلیه اهداف جامعه محلی، توانمندسازی مشارکت بیشتر در کارهای خلاقانه و دخیل شدن سایر بخش‌ها در هنر و فرهنگ کمک کند. منحصر به فرد بودن شرایط هر جامعه محلی به معنی آن است که چنین طرح‌های فرهنگی‌ای بایستی متناسب با شرایط موجود در هر شهرداری اصلاح شود. اصطلاحی که در توسعه فرهنگ جامعه محلی در حال رشد است، گردشگری فرهنگی است؛ راهبردی که بسیاری از شهرداری‌ها را به تشویق فعالیت فرهنگی، برای ساخت صنعت گردشگری خود هدایت می‌کند. در برخی جوامع، اولویت‌ها برای فعالیت‌های فرهنگی و سرزندگی جامعه محلی در طرح‌های توسعه اقتصادی بزرگتری به چشم می‌خورند که بر گردشگری تأکید دارند. این موضوع محرک آشکاری برای حمایت شهرداری‌ها از توسعه هنرها و میراث فرهنگی است.

شهر خلاق

[در کانادا] تلاش‌های آگاهانه برای تبدیل شدن به یک شهر خلاق را، بیشتر کارکنان فرهنگی شهری و جوامع فرهنگی در شهرداری هدایت می‌کنند. این رویکرد به روشنی در شهرهای ونکوور، تورنتو، اوتاوا و هالیفاکس نیز دیده می‌شود. رویکرد شهر خلاق، به ویژه در وارد کردن صریح هنر و میراث در طرح‌های آینده و چشم‌انداز عمومی برای شهر، با سایر موارد پیش‌گفته تفاوت دارد. اشاره به این نکته مهم است، ضمن آنکه الهام‌بخش تلاش‌ها و هدایتگر آنها چشم‌انداز بلندپروازانه شهر خلاق است اما فعالیت‌ها برای تحقق این چشم‌انداز گام‌به‌گام هستند. نکته در اینجا است که ضمن بهره‌گیری از فرصت‌هایی که بدست می‌آیند، به چالش‌های میان مدت پرداخته شود. شرایط و



توسعه جامعه محلی / اقتصاد با یک مولفه فرهنگی

به طور معمول تلاش شهرداری‌ها بر ساخت جوامع محلی و اقتصاد محلی بهتر متمرکز است. از دید چشم‌انداز

رویکردهای گوناگون این شهرها با جزییات بیشتری در بخش بعدی مورد اشاره قرار می‌گیرند.

موفقیت‌ها و چالش‌ها در تحقق رویکرد شهر خلاق

ونکوور، تورنتو، اوتاوا و هالیفاکس، هر یک به شکلی متفاوت برای پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و پرورش شهری خلاق در تلاش هستند. این مثال‌ها نشانگر رهبری شهری در یکپارچگی با همکاران جامعه محلی و در برخی موارد با دیگر سطوح حکومتی است. در اینجا به رویکردها و چالش‌هایی که شهرهای ونکوور و تورنتو داشته و یا با آن روبرو شده‌اند، پرداخته می‌شود.

۱) ونکوور

شهر ونکوور به حمایت دیرنگام خود از فرهنگ، به عنوان یکی از عناصر مهم توسعه شهری، معروف است. متعهد بودن شهر به برنامه‌ریزی فرهنگی به دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد که در قالب برنامه‌ریزی در زمینه اجتماعی انجام شد و به عنوان فلسفه اصلی برای تلاش‌ها در زمینه توسعه فرهنگی آن باقی ماند.

ونکوور طرح‌ها و سیاست‌های فرهنگی گسترده‌ای دارد که شورایی (که اهداف فرهنگی را تصویب می‌کند) آن را هدایت می‌کند. این اهداف عبارتند از: «تضمین آینده شهر در قالب شهری خلاق، باز و قابل دستیابی برای هنرمندان، برای طیف گسترده‌تری از موضوعات فرهنگی و برای گسترده‌ترین مشارکت ممکن». اهداف فرهنگی شهر که در سال ۱۹۸۷ در شورای شهر به تصویب رسیده است، توسعه کلی سیاست فرهنگی شهر را نیز هدایت می‌کند:

- ارتقای سطح بالایی از خلاقیت و برتری در زندگی فرهنگی ونکوور،
- ایجاد تنوع در زندگی هنری جامعه محلی، هر دو جامعه حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای، جامعه سنتی و مبتکر، جامعه تثبیت شده و الهام‌بخش،
- تشویق به کارآمدی مالی و مدیریتی در عملکرد سازمان‌های فرهنگی،
- تضمین وجود تسهیلات لازم برای خلق و ارائه

هنر در ونکوور،

■ اطمینان از اینکه ساکنان شهر و بازدیدکنندگان از آن (شامل شهروندان مسن، جوانان، افراد کم‌درآمد، اعضای اقلیت‌های قومی و دیگر گروه‌های خاص) فرصت لذت بردن و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی را داشته باشند.

برای دستیابی به این اهداف، این شهر رویکردی جامع اما رشد‌یابنده در ارتباط با توسعه و برنامه‌ریزی فرهنگی را دنبال می‌کند. این موضوع به شهر کمک می‌کند تا ضمن بهره‌گیری از فرصت‌ها، با استفاده از ابزار موجود به چالش‌های پیش‌روی نوآوری‌ها نیز پاسخ دهد. سازوکارهای به کارگرفته شده متفاوت و یکی از دیگری بر پایه دیگری ساخته شده‌اند که نتیجه آن مجموعه‌ای از سیاست‌ها، طرح‌ها، برنامه‌ها و عملکردهای بهم مرتبط هستند. در این رویکرد ونکوور دو اصل را مد نظر داشته است: یکپارچگی خواست‌های برنامه‌ریزی فرهنگی در همه فرایندهای برنامه‌ریزی شهری و همکاری با سازمان‌های فرهنگی غیر انتفاعی برای اشاعه و بهبود خدمات و فعالیت‌های فرهنگی و هنری در سطح شهر.



ونکوور طیف گسترده‌ای از حمایت‌ها و فرصت‌ها را برای دخیل کردن خلاقیت شهروندان خود و قدرت‌بخشی به توانایی جوامع فرهنگی برای فراهم آوردن خدمات فرهنگی برای ساکنان و بازدیدکنندگان، فراهم می‌آورد. حمایت چند وجهی از هنر و فرهنگ در بسیاری از کانال‌هایی که شهر ارائه می‌کند، بازتاب دارد. این موارد شامل برنامه، سیاست و کار برنامه‌ریزی دفتر امور فرهنگی و نیز خدمات، هماهنگی، سیاست‌ها و برنامه‌های ارائه شده از طریق طیفی از سایر

دپارتمان‌ها و کمیته‌هاست. کارکنان امور فرهنگی در کلیه فرایندهای برنامه‌ریزی شهر شرکت دارند تا از برآورده شدن نیازهای فرهنگی و اجتماعی ساکنان فعلی و جدید شهر اطمینان حاصل شده و سرزندگی شهر تقویت شود. در توسعه محله‌های اصلی، این شهر برای ایجاد پیوند میان فرهنگ و همه طرح‌ها، از همان ابتدای طرح و برای تضمین فراهم آوردن امکانات فرهنگی محله به مطلوب‌ترین شکل ممکن کار می‌کند.

نتیجه این فعالیت‌ها و ابتکارات، توجه درخور به کیفیت طراحی شهری است. برنامه‌ریزان شهری، معماران، توسعه‌دهندگان و عموم مردم به این موضوع توجه دارند و این موضوع به شکل‌گیری مناسب محله‌های متراکم جدید در هسته مرکزی شهر و خیابان‌هایی با چشم‌انداز جذاب در سراسر شهر کمک می‌کند.

چالش‌های اصلی

- ◆ منابع انسانی و مالی برای جامعه‌ی در حال رشد با نیازهای متنوع محدود است.
- ◆ پیوندهای شهری با جوامع تجاری و بخش آموزش را می‌توان افزایش داد. پیوندها میان فرهنگ و بخش فناوری پیشرفته را نیز می‌توان تقویت کرد.
- ◆ حکومت‌های منطقه‌ای تمایل و مداخله بسیار اندکی در توسعه فرهنگ دارند. منطقه ونکوور بزرگ، شامل ۲۱ شهرداری، یک منطقه شهری انتخاباتی^۵ و یک منطقه شهری شراکتی^۶ (منطقه شهری ونکوور بزرگ) است. گرچه شهرداری‌های منفرد در این منطقه در زمینه توسعه فرهنگی (در سطوح مختلف) فعال بوده‌اند اما کمبود موسسان منطقه‌ای رسمی، موجب محدودیت یکپارچگی و برنامه‌ریزی در سطح منطقه‌ای شده است. کمیته بین‌شهرداری، نشست‌های منظمی دارند که شرکت‌کنندگان در آن از توسعه‌های رخ داده در سایر شهرداری‌ها مطلع می‌شوند و امکان شکل‌گیری برخی پروژه‌ها بین شهرداری‌ها فراهم می‌آید.
- ◆ به شکل سنتی، سطح پایین پشتیبانی از فرهنگ

در مقابل سایر حکومت‌های ایالت بریتیش کلمبیا؛ یعنی ضمن آنکه کیفیت سازمان‌های خلاق در این شهر بسیار بالاست اما این سازمان‌ها منابع کافی در اختیار نداشته و زیرساخت‌های سازمانی آنها آسیب‌پذیر است.

◆ افزایش در هزینه‌های املاک، استطاعت مالی و هزینه‌های زندگی را مبدل به مسئله‌ای در حال رشد کرده، ضمن آنکه دسترسی به فضای آتلیه با قیمتی مناسب نیز دشوار است. این موضوع، جذب و حفظ هنرمندان و سایر استعدادهای خلاق در شهر را دشوارتر کرده است.

۲) تورنتو

شهر پیشین تورنتو و بسیاری از شهرداری‌های نواحی، به مدتی طولانی و با رویکردها، راهبردها، ابزار و برنامه‌های متنوعی، در توسعه فرهنگی دخیل بودند. در فوریه سال ۲۰۰۰، پس از یکپارچه شدن این نواحی در قالب کلانشهر تورنتو، شورای شهر، هدایت بخش فرهنگی جدید را برای تهیه طرحی فرهنگی برای کمک به توسعه فرهنگی شهر در ۱۰ سال آینده بر عهده گرفت. این شورا دو هدف اصلی برای طرح فرهنگی در نظر گرفت: تعریف جایگاهی برای تورنتو به عنوان پایتخت فرهنگی بین‌المللی و تعریف نقش فرهنگ در مرکز توسعه اقتصادی و اجتماعی شهر.

در آوریل سال ۲۰۰۱، سند کاری اولیه‌ای با عنوان "شهر خلاق" به عنوان چارچوبی برای بحث و بررسی به شورای شهر تسلیم شد که در آن به نیاز تورنتو برای استفاده از هنر، فرهنگ، و دارایی‌های میراثی به منظور قرارگیری در جایگاه شهری خلاق که می‌تواند پایتخت فرهنگی بین‌المللی باشد، پرداخته بود. این سند با دوره‌ای از مشاوره جامعه محلی همراه شد. در نوامبر سال ۲۰۰۲، شورا طرح رسمی ۳۰ ساله دیگری تنظیم کرد که مطابق با اهداف آن هنر، فرهنگ و میراث برای جذب و حفظ تازه‌واردان تحصیلکرده و فعال به شهر کمک کرده و اقتصاد این شهر را به یکی از قویترین‌ها در دنیا بدل می‌کرد. ایده این طرح تبدیل هنر، فرهنگ و میراث به قلب و روح آینده تورنتو بود.

در ژوئن سال ۲۰۰۳، " طرح فرهنگی برای شهر خلاق"^۷ تکمیل شده و به تصویب رسید.

طرح فرهنگی برای شهر خلاق، اشکال کلی شهر خلاق را توصیف می‌کند، خطوط اصلی چالش‌های چندوجهی که با آن روبرو هستیم را ترسیم کرده و به موقعیت رقابتی شهر در مقابل سایر شهرها (در کانادا و در سطح بین‌المللی) اشاره دارد که همگی در پی کارکنان

تجربه فرهنگ در تورنتو هستند." همچنین در این طرح، در بوم‌شناسی فرهنگ در شهر تورنتو، ارتباطات بسیاری میان هنرهای غیرانتفاعی و تجاری مورد شناسایی قرار گرفته است و تبادل دو طرفه‌ای برای جابجایی استعدادها میان این دو ادامه دارد. تمرکز اولیه شهر در این طرح بر بخش غیرانتفاعی و توانایی آن برای خدمت‌رسانی به جامعه‌ای بزرگتر است.

در سراسر این طرح، ایجاد شراکت میان بخش فرهنگی، تجارت و سازمان‌های جوامع محلی برای تحقق پیشنهادهای طرح، مورد تأکید قرار گرفته است. به طور همزمان، توجه خاص و جهت‌گیری منابع ویژه به سوی پروژه‌های بزرگ، نگرانی جوامع فرهنگی شهر را که استفاده از منابع کمیاب به این روش را مورد سؤال قرار می‌دهند، برانگیخته و اولویت‌ها و چالش‌های مختلفی را در کل جامعه ایجاد کرده است.



چالش‌های اصلی

- ◆ کسری‌ها در همه سطوح حکومت در سال ۱۹۹۰ منجر به حذف حمایت‌ها و نیز درگیری سازمان‌ها برای توسعه به منظور خدمات‌رسانی به جوامع در حال رشد شد. انباشت کسری و کمبود جدی سرمایه کار از این شرایط ناشی شده و سازمان‌های فرهنگی در هر اندازه‌ای آسیب‌پذیر ظاهر شدند.
- ◆ ناتوانی برای تأمین پول کافی به منظور حفظ موسسات فرهنگی شناخته‌شده در سطح بین‌المللی، نیازمند منابع بیشتری برای حمایت عملکردهای روبه رشد آنهاست.
- ◆ منابع محدودی برای نگهداری از دارایی‌های فیزیکی و میراثی وجود دارد. امکاناتی که شهر مالک آن است و مواردی که بر روی آنها سرمایه‌گذاری کرده است، معمولاً در شرایط فیزیکی ضعیفی هستند. امکانات غیرانتفاعی که چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم مورد حمایت این شهر قرار دارند، با وقفه‌ای جدی در نگهداری روبرو هستند.
- ◆ شهرهای رقیب در اروپا و ایالات متحده و سطوح

مطلع و البته نکته‌سنج در کیفیت زندگی مکانی که در آن زندگی می‌کنند، هستند. این طرح سرفصل‌های نقاط قوت و ضعف تورنتو را مطرح کرده و اقداماتی را برای تقویت دارایی‌ها و رفع مشکلات ارائه می‌کند. تأکید بر سطح بالاتر سرمایه‌گذاری در این طرح شاخص است. مولفه‌های اصلی دخیل شدن فعلی شهر در توسعه فرهنگی تشریح شده و طیف وسیعی از پیشنهادها برای فعالیت‌های بیشتر - چه کوچک و چه بزرگ - تنظیم شده است. این موارد بر پایه عملکردهای جاری بنا شده و به نیازهای در حال ظهور برنامه‌ریزی و جوامع محلی پرداخته و ایده‌های جدید معرفی کرده است.

این طرح بر ابعاد هنری، فرهنگی و میراثی شهر، در زمینه‌ای وسیع‌تر از تنوع فرهنگی این شهر توجه داشته و خلاقیت را در مفهوم گسترده‌تری مورد بررسی قرار می‌دهد. مطابق این طرح، لازم است هر طرحی "در ابتدا به حمایت و تقویت از زندگی کاری افراد خلاق بپردازد؛ زیرا که آنها قلب

بالای حکومتی آنها به شکلی فعال در حال سرمایه‌گذاری روی دارایی‌های فرهنگی خود هستند.

- ◆ مطالعه‌ای که در ماه می سال ۲۰۰۲ انجام شد، نشان داد که تورنتو تنها شهر بزرگ در امریکای شمالی است که از سال ۱۹۹۶ با افت گردشگری روبرو بوده و بسیاری، داشته‌های فرهنگی این شهر را کهنه و فاقد طراوت می‌دانند.
- ◆ معرفی و پیوند دادن جوامع محلی متنوع با نهادهای فرهنگی اصلی به عنوان چالشی باقی‌مانده که رفع آن نیازمند ظرفیت‌سازی، به کارگیری افراد داوطلب و بهم تافتن مهاجران با جامعه محلی است.
- ◆ منابع محدود برای موزه‌های شهر به منظور توسعه یا اکتساب نمایشگاه‌ها و برنامه‌هایی است که بر غنای فرهنگی و جوامع گوناگون اثرگذار است.
- ◆ دسترسی و هزینه پذیرش در مراکز و فعالیت‌های فرهنگی.
- ◆ در دسترس بودن محل‌هایی برای سازمان‌های هنرهای جوامع محلی.

ارزیابی پیشرفت و بازگشت سرمایه

یکی از مسایل سیاستی برای حکومت‌ها در هر سطحی، ارزیابی بازگشت سرمایه‌های عمومی است. در مورد شهرهای خلاق، چالش اصلی ایجاد شاخص‌های معنی‌داری برای موفقیت و چارچوب‌هایی برای محک زدن پیشرفت است. در این ارتباط طرح شهر تورنتو دربردارنده سنجه‌هایی است که به طور منظم (هر دو سال) پیشرفت را مورد سنجش قرار می‌دهند. این مجموعه شاخص‌ها، بازتاب‌دهنده ی اولویت‌های شهر، طرح‌های شهری و واقعیت‌هایی برای دسترسی به داده‌هاست.

سنجه‌های طرح فرهنگی تورنتو به شرح زیرند:

- سطح سرمایه‌گذاری مالی (در مقایسه با سایر شهرها) و بازگشت آن (نفوذ نقدینگی از طریق افزایش در سرمایه‌گذاری‌های شهر).

■ اثرات اقتصادی (تعداد مشاغل ایجاد شده در بخش فرهنگی و اثر بخش فرهنگی بر تولید ناخالص داخلی تورنتو).

■ رتبه‌بندی براساس شاخص‌های خلاقیت ریچارد فلوریدا.

■ سطح حضور و فعالیت برای رویدادهای فرهنگی و برنامه‌های تنظیم شده برای جوانان که شهر آنها را تأمین مالی می‌کند.

■ سطح تولید فیلم و برنامه‌های تلویزیونی.

■ تعداد سازمان‌های هنری جدید تأسیس شده.

■ تعداد بازدیدکنندگان از تورنتو.

■ دارایی‌های میراثی (تعداد دارایی‌های میراثی مشخص و فهرست‌برداری شده).

در ونکوور شرایط کمی متفاوت است. دفتر امور فرهنگی این شهر اقدام به تهیه گزارش‌های سالانه‌ای می‌کند که عنوان ارزیابی ندارند اما به دستاوردها و ابتکارات هر ساله، سرمایه‌گذاری‌های انجام شده و شرایط جاری جامعه فرهنگی غیرانتفاعی می‌پردازند.

در مجموع به نظر می‌رسد در خصوص ساخت شاخص‌هایی برای ارزیابی خلاقیت و ابتکار، پیشرفت‌هایی حاصل شده است. در عین حال لازم است برای حصول اطمینان از کارآمدی و اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌ها، کار بیشتری انجام شود تا این موارد با دقت هر چه تمام‌تر به فرصت‌ها، چالش‌ها و سایر ابعاد مرتبط با شرایط جامعه محلی واکنش نشان دهند. به این ترتیب این سیاست‌ها و برنامه‌ها می‌توانند جامعه محلی را به طور کامل از توان خلاق خود آگاه سازند.

پانویس:

۱- این نوشته برگرفته از مقاله Creative Cities: Principles and Practices است که در اوت سال ۲۰۰۴ توسط مدیر تحقیق و آموزش شبکه شهر خلاق کانادا نوشته شده است.
2- Nancy Duxbury
3- Toward Creative City
4- St. John
5- Electoral district
6- Regional municipal partnership
7- Culture Plan for the Creative City

